

اعتقاد به منجی در مسیحیت

سعیده اخلاقی^۱، منیره فردوسی‌نیا^۲

چکیده

مسئله مهدویت، انتظار مصلح کل و موعود منتظر از ویژگی‌های مختص دین اسلام نیست بلکه همه ادیان، مذاهب و کیش‌های آسمانی مانند زرتشت، یهودیت، مسیحیت آن را پذیرفته‌اند. پیروان آیین‌های آسمانی در سراسر تاریخ محنت‌بار خود هرگونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار کردند که روزی منجی ظهور خواهد کرد و آنان را از جمیع بلاها نجات خواهد داد. اعتقاد به منجی یکی از اصول پذیرفته‌شده در دین مسیحیت است که در کتاب مقدس آنان منعکس شده است. در مسیحیت برای منجی القاب و ویژگی‌های مختلفی بیان شده که همگی بر عیسی عَلَيْهِ السَّلَام پسر مریم انطباق دارند. او نبی، صاحب معجزه، نجات‌دهنده و رجعت‌کننده خوانده شده که با ظهور مجدد خود جهان را از تاریکی ظلم و جهل نجات خواهد داد. منجی مسیحیت، ماهیت نجات‌بخشی فردی و جمعی است. برای وی دو کارکرد قابل تصور است: یکی مبتنی بر شخص او و دیگری بر عمل تاریخی اش. همین امر منجر به تصور دوگونه نجات و منجی شده است: نجات سیال، شخصی و میانجی‌گرایانه؛ نجات جمعی، زمان‌مند و منجی‌گرایانه. در گونه اول عیسی عَلَيْهِ السَّلَام با فدیة کردن خود رابطه میان انسان و خدا را اصلاح می‌کند و نقش میانجی را دارد تا منجی و در گونه دوم وی با بازگشت مجدد خود و تشکیل حکومت جهانی، عدالت را برپا می‌کند و پیام انجیل را به همه مردم می‌رساند و نقش منجی را دارد تا میانجی. در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به کتب و مقاله‌های نوشتاری سعی شده است اعتقاد به منجی در مسیحیت و کارکردهای مختلف عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و نقش و جایگاه وی تبیین و بررسی شود.

واژگان کلیدی: منجی، مسیحیت، موعودباوری، مهدویت، حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام،

امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی عَلَيْهِ السَّلَام العالمیه، افغانستان.

۲. مدرس گروه علمی - تربیتی مطالعات اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی عَلَيْهِ السَّلَام العالمیه. ایران.

۱. مقدمه

مسئله موعود در تاریخ ادیان سابقه‌ای بسیار کهن و دیرینه دارد. با نظر به کتب مقدس ادیان و مذاهب مختلف جهان به این حقیقت می‌توان دست یافت که اعتقاد به منجی و مصلحی که در آخرالزمان ظهور می‌کند و جهان را پراز عدل و داد می‌کند یک اعتقاد جهانی است. مسیحیت نیز از این قاعده استثنا نیست. اعتقاد مسیحیان بر این است که خداوند برای رهایی و نجات انسان، پیامبران گذشته را با شریعت و قانون فرستاد، اما به دلیل تمرد انسان این نجات تحقق نیافت و پیامبران قبل از عیسی علیه السلام فقط زمینه را برای نجات‌بخشی آماده کرده بودند، اما عیسی علیه السلام نقش اساسی را در سیر نجات‌بخشی ایفا کرد یعنی، خود را فدیہ کرد تا انسان از بند اسارت گناه ذاتی آزاد شود. از نگاه مسیحیت، انسان گرفتار هوی و هوس زمانی طعم آزادی و نجات و رهایی را به‌طور کامل خواهد چشید و آنگاه گام در مدینه فاضله خواهد گذاشت که مسیح در آخرالزمان رجعت کند تا برای همیشه نجات انسان‌ها را تأمین و تضمین کند. در فرهنگ مسیحی بازگشت خود مسیح در پایان جهان - به عنوان منجی‌ای که همه تبعیض‌ها، ظلم‌ها، بی‌عدالتی‌ها، تاریکی‌ها و یأس‌ها را تبدیل به عدالت و امیدواری می‌کند- جایگاه بلند و ممتازی دارد. همه مسیحیان امید دارند که مسیح چنان‌که پیام صلح، دوستی و مهر را برای انسان به ارمغان آورد با رجعت خود طعم مهر و صلح را به همه بچشاند. در رابطه با موضوع منجی در مسیحیت پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است، اما در پژوهش حاضر سعی شده است با روش توصیفی-تحلیلی ابعاد آن از جمله ویژگی‌ها و خصوصیات ظاهری، رفتاری و اخلاقی منجی، نقش و جایگاه او بررسی شود. ضرورت تحقیق در این باره زمانی مشخص می‌شود که باقی‌ماندن دین به‌وسیله جحتی از حجت‌های الهی برای رساندن بشر به سعادت ایجاب می‌کند که درباره آن (منجی) تحقیق عالمانه‌ای صورت گیرد و اکنون که جهان در وضعیت آشفته‌ای به سر می‌برد لازم است که از اعتقاد دیگر ادیان به‌ویژه مسیحیت به عنوان دینی که پیروان بسیاری دارد درباره منجی بحث شود. بررسی اعتقاد مسیحیان درباره منجی به شناخت بهتر و بیشتر این دین و یافتن مشترکات آن با دین اسلام کمک می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. مسیحیت

مسیحیت دینی است که در فضایی یهودی متولد شد. بر بشارت قوم یهود تکیه زد و در محیط شریعت‌مدار یهود دوران کودکی را سپری کرد. بدین لحاظ تحلیل تاریخ شکل‌گیری مسیحیت

بدون آشنایی با جغرافیا، فرهنگ و تحولات جامعه یهودی ممکن نیست، پس مسیحیت راستین شاخه‌ای از دین یهود و یا به تعبیر بهتر، استمرار دین واقعی یهود است. (زیبایی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۵) مسیحیت دینی است که می‌توان سرچشمه آن را از عیسای ناصری دنبال کرد. این دین با آمدن عیسی مسیح علیه السلام و تعالیم او به جهانیان عرضه شد. تا سال ۴۶ میلادی و پیش از آنکه شورای اورشلیم آن حکم سرنوشت‌ساز مبنی بر عمومیت پیام انجیل را صادر کند مسیحیان خود را فرقه‌ای یهودی می‌دانستند و مانند یهودیان در کنیسه‌ها حاضر می‌شدند و مناسک ویژه خود را انجام می‌دادند (موحدیان عطار، ۱۳۸۹، ص ۲۲۱). با مصلوب‌شدن عیسی علیه السلام (به اعتقاد مسیحیان) پیروان کم‌شمار او با نومی‌دی و یأس به خانه‌های خود پناه بردند، اما با رستاخیز عیسی علیه السلام در روز سوم این جماعت از خانه بیرون آمدند و رساتر از گذشته، عیسی علیه السلام و آموزه‌هایش را تبلیغ کردند. از این تاریخ بود که مسیحیت خط خود را از یهود جدا کرد و به عنوان دینی مستقل به حیات خود ادامه داد (موحدیان عطار، ۱۳۸۹، ص ۲۲۳).

۲-۲. موعودباوری

موعودباوری که در اسلام به عنوان مهدویت از آن یاد می‌شود اعتقاد به وجود مأمون و پناهگاهی نجات‌بخش برای انسان خسته از ظلمت‌ها و کژی‌هاست که آینده‌ای روشن و حتمی را نوید می‌دهد. موعودباوری اعتقاد به رهاننده‌ای است که با آمدنش رنج‌ها و سختی‌ها، ناکامی‌ها و بی‌عدالتی‌ها به خوشبختی‌ها و آرامش‌ها بدل می‌شود. این آموزه اندیشه‌ای فراگیر و جهان‌شمول است. به عبارتی دیگر باورداشت منجی و موعود از اصول مشترک همه ادیان و حتی مکاتب بشری است. اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی به تعبیر فیوچر عقیده‌ای است که در همه کیش‌های آسمانی یهود، زرتشت، مسیحیت و مدعیان نبوت و دین مقدس اسلام به عنوان یک اصل مسلم تلقی به قبول شده است. همه اینان معتقدند روزی فرامی‌رسد که خالق هستی با ید قدرت خود ابرمردی را به منصفه ظهور خواهد رساند که دفتر ظلم و فسق را پایان خواهد بخشید. در روزگار او ظلم و بیداد قاچاق خواهد بود و ظالم و ستم‌پیشه به حق قصاص خواهند شد (جوانشیر، ۱۳۹۱، ص ۱۸).

۲-۳. منجی مسیحیت

۲-۳-۱. بشارت‌های قبل از تولد حضرت مسیح علیه السلام

در آیاتی چند از کتاب مقدس بشارت داده شده است به روز خوشی که در پیش است و منجی بشر (مسیحی) می‌آید و عدل و داد را برقرار می‌کند، اما زمان وقوع این روز موعود مشخص نیست. در بعضی از آیات کتاب مقدس وقوع این وعده الهی بسیار نزدیک شمرده شده است آنقدر نزدیک که برخی از شاگردان حضرت مسیح علیه السلام زنده باشند و آن را درک کنند. از میان بشارت‌های کتاب مقدس به سه مورد اشاره شده است:

- اشعیای نبی در موارد متعددی از کتاب خود به بنده خدا بشارت داده است که وی از هرگونه قدرت نظامی و انتظامی و شکوه ظاهری به دور خواهد بود و راه اطاعت و امانت را بر خواهد گزید. در عهد جدید این لقب بر عیسی علیه السلام تطبیق می‌شود. (جوویور، ۱۳۸۱، ص ۴۹)
- سفر تثنیه: «و خداوند به من (موسی علیه السلام) گفت: آنچه گفتند نیکو گفتند. نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود من از او مطالبه خواهم کرد. (سفر تثنیه، ۱۸، ۱۷)

امام رضا علیه السلام عبارت ذکر شده در سفر تثنیه را این‌گونه تفسیر کرده است: «مراد از آمدن نور از ناحیه کوه سینا وحی خداوند به موسی علیه السلام بر کوه طور در سیناست و مراد از طلوع خدا از کوه ساعیر، وحی الهی به عیسی بن مریم علیه السلام در این کوه است» (زیبایی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۱۸).

۳. تولد معجزه‌آسا

حضرت عیسی علیه السلام منجی موعود مسیحیت در اوضاع سیاسی متزلزل و در محیط دینی پیچیده‌ای متولد شد هر چند محققان اتفاق نظر دارند که او در سال چهارم ق.م متولد شده است. عیسی علیه السلام در دوره حکومت هرودس بزرگ در بیت لحم متولد شد. تولد او در هاله‌ای از ابهام بود. در بعضی از سنت‌ها بیان می‌شود که مادرش از روح القدس حامله شد (معجزه). او از مادری باکره به نام مریم متولد شد. (جوویور، ۱۳۸۱، ص ۷۰) انجیل متی درباره نحوه ولادت عیسی علیه السلام چنین گزارش می‌دهد: «اما ولادت عیسی مسیح علیه السلام چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف علیه السلام نامزد شده بود قبل از آنکه با هم آیند او را از روح القدس حامله یافتند و شوهرش یوسف چون که مردی صالح بود و نخواست او را عبرت نماید، پس اراده نمود او را پنهانی



رها کند، اما چون او در این چیزها تفکر می‌کرد ناگاه فرشته خداوند در خواب بر وی ظاهر شد و گفت: ای یوسف پسر داوود! از گرفتن زن خویش مریم مترس؛ زیرا او امت خویش را از گناهانشان خواهد رها کند و این همه برای آن واقع شد تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود تمام شود که اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است: خدا با ما، پس چون یوسف از خواب بیدار شد چنانچه فرشته خداوند بدو امر کرده بود به عمل آورد و زن خویش را گرفت و تا پسر نخستین خود را زایید او را شناخت و او را عیسی علیه السلام نام نهاد» (انجیل متی، ص ۲۵). از نگاه منابع اسلامی، یهودیان در هنگام تولد حضرت مسیح علیه السلام تهمت‌ها و نسبت‌های ناروایی درباره مریم رواج دادند که گویی او زن آلوده دامن است. در قرآن کریم این اتهام زشت یهودیان به حضرت مریم علیها السلام بهتانی عظیم قلمداد شده است و خداوند سخت به نکوهش یهودیان می‌پردازد و می‌فرماید: «به سبب کفر ایشان و آن تهمت بزرگ که به مریم زدند آنان را به عقوبت گرفتار می‌کنیم» (نساء: ۱۵۶). بنابراین، تولد عیسی علیه السلام از حضرت مریم علیها السلام بدون پدر و به شکل اعجازگونه بوده است.

۴. القاب و اسما

القاب و اسمای بیان شده برای حضرت مسیح علیه السلام در اناجیل و قرآن کریم هر یک جنبه‌ای از رسالت او را بیان می‌کنند. مهمترین این اسما و القاب عبارتند از:

۴-۱. عیسی

منجی موعود مسیحیان را در ابتدا یشوع (یهوشاعا، یسوع) می‌نامیدند که واژه‌ای عبری و به معنای نجات خداست. این کلمه را رومیان و یونانیان به یسوس تبدیل کردند و همین واژه در زبان عربی عیسی علیه السلام شد. (توفیقی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۰) انجیل این واژه را خداوند نجات‌دهنده معنا کرده است که امت خویش را از گناهانشان خواهد رها کند (متی، ۲۱/۱).

۴-۲. پسر انسان

عنوان پسر انسان بیش از هشتاد بار در عهد جدید بر آن حضرت اطلاق شده است. کتاب دانیال از پسر انسان نام می‌برد و او را به عنوان شخصیتی مطرح می‌کند که قبل از تنگی واپسین روز خواهد آمد و خدا داوری و پادشاهی را به او خواهد سپرد و مسیحیان ایمان دارند که عیسی علیه السلام آن روزها را تحقق می‌بخشد. (میشل، ۱۳۷۷، ص ۶۹)

۴-۳. پسر خدا

این لقب در عرف مسیحیان به معنای تولد جسمانی عیسی علیه السلام از خدا نیست بلکه منظور از این لقب آن است که ایمان به ارتباط صمیمانه و استوار عیسی علیه السلام با خدا بیان شود. (میشل، ۱۳۷۷، ص ۶۸)

۴-۴. مسیح

مسیح را می توان نام دوم عیسی علیه السلام دانست. (میشل، ۱۳۷۷، ص ۷۰) انجیل چهارم پر از لفظ مسیح از کلمه عبری ماشیاح (مسیح) به معنای تدهین شده است. در دین یهود افراد را برای مأموریت های مهم مذهبی با روغن مخصوص مسح می کردند. به همین سبب چنین افرادی مقدس و محترم شناخته می شدند. (زیبایی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۱۸) در قرآن کریم از عیسی با نام های مسیح، روح الله، عبدالله، مبارک و کلمه الله نام برده شده است. در منابع روایی نیز روح الله لقب عیسی بن مریم علیها السلام است. از دیگر القاب وی می توان به معلم الخیر (استاد نیک) و روح الامین اشاره کرد. (حیدری کاشانی، ۱۳۸۸، ص ۴۷۶)

۵. ویژگی ها و خصوصیات منجی مسیحیت

در منابع مسیحیت، حضرت عیسی علیه السلام حضوری کم رنگ دارد و چندان از ویژگی ها و خصوصیات ایشان بحث نمی شود.

۵-۱. ویژگی های ظاهری

جیمز هاکس در قاموس کتاب مقدس، عیسی علیه السلام را شخصی معتدل القامه با موهای میگون و طلایی رنگ و صاف که در مقابل گوش ها مجعد و درخشان بود، توصیف می کند. او موهایش را به دو نیم تقسیم می کرد پیشانی اش مستوی و نرم بود، رویش بی عیب و مایل به قرمزی بود و ریش کامل و تمام به رنگ موی سرش داشت. چشمانی کبودرنگ و درخشنده و دستانی خوش ترکیب بود. (هاکس، ۱۳۷۷، ص ۸۰۷) او را در روز هشتم تولد بنا به رسم اسرائیلیان ختنه کردند (انجیل لوقا، ۲/۲۱). در سنین خردسالی در کنار پدر و مادرش می زیست و مطیع آنان بود (انجیل لوقا، ص ۵۱). او برای امرار معاش به شغل نجاری اشتغال داشت (انجیل مرقس، ۳/۶)، اما جایی برای استراحت نداشت. عیسی علیه السلام خود در این مورد گفته است: «روباهان را سوراخ است و مرغان هوا را آشیان ها، اما پسر انسان را جای سرنهاندن نیست» (انجیل لوقا، ۹/۵۸). نزدیک به ۳۰ سال داشت که رسالت خود را آغاز کرد (انجیل لوقا، ۳/۲۳) و سه سال

بعد به صلیب کشیده شد (زیبایی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۵۰). در مقابل منابع اسلامی، روایات اهل بیت علیهم السلام درباره شخصیت عیسی بن مریم علیها السلام اطلاعات مفیدی ارائه می‌دهد. از نظر ظاهری قامتی میانه، سیمایی سفید مایل به سرخی و موهای مجعد داشت. همچون برخی پیامبران مختون متولد شد در سه سالگی حجت خدا بر بندگان و حتی بر یحیی بوده است و در هفت سالگی به رسالت رسید، اما در سی سالگی بود که مأموریت یافت رسالت خود را بر بنی اسرائیل آشکار کند. در کوه ساعیر بود که از سوی خداوند به وی وحی رسید و در زمان عروج سی و سه ساله بود (زیبایی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۶۶).

۲-۵. ویژگی‌های رفتاری

ایشان بسیار کم حرف بود، کسی خنده او را ندید، اما بسیاری گریه او را دیده بودند، هیچ صغیره و کبیره و ترک اولایی را مرتکب نشد. (میشل، ۱۳۷۷، ص ۸۰۷) شخصی امین و مهربان (انجیل یوحنا، ۱۱/۲۳) بود. برخلاف شریعت موسی علیه السلام که هم سیاسی و هم روحانی بود اصول و تعالیم عیسی مسیح علیه السلام فقط روحانی است. آن حضرت از اقدام سیاسی بر ضد حکومت ممانعت می‌کرد، او به شدت از جنگ و خون‌ریزی و خشونت متنفر بود و برای ایجاد آشتی و صلح و اصلاح از حق خود می‌گذشت (انجیل متی، ۳۸/۵) و به دیگران نیز توصیه می‌کرد که چنین کنند. مطیع مقررات حکومتی و مخالف به‌کارگیری شمشیر بود در عین حال وی شخصی شجاع بود (انجیل متی، ۲۱/۱۲) که در مقابل روحانیت فاسد قیام کرد (انجیل متی، ۲۱/۱۲). مباحثات او با مخالفان نشان از احاطه وی بر کتاب مقدس یهود دارد (زیبایی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۵۰). برای تبلیغ رسالت خود به شهرهای مختلف سفر می‌کرد و بشارت ملکوت خدامحور اصلی تعالیم وی بود (انجیل متی، ۴/۲۳). در روش تبلیغی خود آموزش تمثیلی را برگزیده بود به‌ویژه در انجیل متی مثال‌های حکمت‌آموز او آمده است (زیبایی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۵۰). با وجود آنکه یحیی علیه السلام شاگردانش را به روزه توصیه می‌کرد عیسی علیه السلام می‌خورد و می‌آشامید و شاگردانش را هم به روزه توصیه نمی‌کرد (انجیل متی، ۹/۱۴).

۳-۵. ویژگی‌های اخلاقی

او شخصی بسیار فروتن و متواضع بود (انجیل یوحنا، ۴/۱۳) و در شام آخر پای شاگردان را به دست خویش شست‌وشو داد. حضرت عیسی علیه السلام بسیار غیور، مظلوم، صبور (انجیل متی، ۲۹/۱۱) و حلیم و با محبت (انجیل متی، ۹/۱۵) و مطیع خداوند بود (انجیل متی، ۱۰/۱۵). او خود را عبد

(مریم: ۳۰) و بنده خدا می دانست. او بسیار شجاع و مبارز بود (انجیل متی، ۲۱/۱۲). علاوه بر این حضرت عیسی علیه السلام شخصی سخندان و منطقی، زیرک و هوشیار و حاضر جواب بود که مضامین اناحیل گویای این حقیقت است (انجیل لوقا، ۲۰/۲۰ و انجیل متی، ۲۲/۱۵). از نظر اخلاقی وزهد و ورع و کثرت عبادت مثال زدنی بود. بسیار روزه می گرفت، لباس خشن می پوشید و نان جو می خورد. آنگاه که آفتاب غروب می کرد هر جا بود به نماز می ایستاد و در حال عبادت بود تا خورشید طلوع می کرد. به محتاجان رسیدگی می کرد برای خود غذایی ذخیره نمی کرد و می فرمود: «همان غذایی که غذای صبح مرا داده است شامگاهان نیز مرا طعام خواهد داد. او از نگاه شهوت آلود به زنان و معاشرت آنان گریزان بود. عیسی علیه السلام گریه را با خنده درمی آمیخت گاهی لبخند بر لب داشت و گاه می گریست. در ماه ذی الحججه حج به جا می آورد» (زیبایی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۳۲-۲۳۹).

۶. نقش و جایگاه منجی مسیحیت

در ادبیات و الهیات سنتی مسیحی، میان شخص مسیح علیه السلام و عملکرد او تمایز نهاده اند (مباحث مربوط به دسته نخست را مسیح شناسی و دسته دیگر را موضوعات نجات شناسی لقب می دهند). (تیلیخ، ۱۳۸۱، ص ۲۳۱) به طور قطع این تمایز در زمان شخص عیسی علیه السلام وجود نداشته و درست از زمانی پدید آمده است که عیسی علیه السلام بی آنکه کاری شاهانه انجام داده است و بنی اسرائیل را از پراکندگی و غم رهایی دهد به باور مسیحیان بر صلیب شد. در این زمان بود که برای عیسی علیه السلام دو کارکرد تصور شد یکی از این دو مبتنی بر شخص او است و دیگری بر عمل تاریخی اش همین تمایز سبب شده است که در مسیحیت دوگونه نجات و به تبع آن دوگونه منجی تصور شود (صادق نیا، ۱۳۸۹، ص ۲۳۲).

۶-۱. نجات سیال، شخصی و میانجی گرایانه

این درک از نجات به رستاخیز عیسی علیه السلام ارتباط چندانی ندارد و با همان زندگی اولیه او سازگار است. این نجات ثمره میانجی گری عیسی علیه السلام است و نه منجی گری اش. در این معنا از نجات است که عیسی علیه السلام با فدیة کردن خود رابطه میان انسان و خدا را اصلاح می کند. «مسیح علیه السلام بره خدا بود که گناهان جهان را برمی دارد» (انجیل یوحنا، ۱/۲۹). بنابراین، این گونه نجات به معنای رهایی از تقصیر یا گناه و یا رهایی از پیامدهای آن در این جهان و حیات اخروی است. بر این اساس نجات بخشی عیسی علیه السلام سیال و غیرزمان مند (هر زمان به عیسی علیه السلام ایمان آورده

شود، نجات می‌یابد)، فردی و غیر آخرت‌شناختی (با پایان تاریخ ربطی ندارد) است. بهتر است این‌گونه نجات‌بخشی را از مقوله مباحث موعودباوری بیرون دانست.

۲-۶. نجات جمعی، زمان‌مند و منجی‌گرایانه

در این نگاه عیسی علیه السلام در بازگشت مجدد خود کار شاهانه‌ای انجام خواهد داد که همان تشکیل حکومتی است فراگیر که پیام انجیل را به همه مردم می‌رساند. (تیلیخ، ۱۳۸۱، ص ۲۳۲) این‌گونه نجات به اجماع تمام مسیحیان رهایی‌بخشی عیسی علیه السلام به معنای نجات‌بخشیدن از پراکندگی ظلم و نابسامانی است. امری که در سایه تشکیل یک حکومت مرکزی عملی می‌شود. نجات بدین معنا نجاتی است زمان‌مند (در زمان مشخصی طبق پیش‌گویی‌ها تحقق می‌پذیرد)، اجتماعی و معنوی (هم به نجات معنوی می‌اندیشد هم به رفاه دنیوی)، فراملی (دارای رسالت جهانی) و رو به آینده. در این‌گونه از نجات، انسان با منجی‌ای روبه‌رو است که علاوه بر توجه به رستگاری معنوی اهدافی چون برپایی عدل، امنیت و رفاه اجتماعی را هم مد نظر دارد (جوانشیر، ۱۳۹۱، ص ۱۲۸).

۳-۶. نبی

عیسی علیه السلام نبی خوانده شده است؛ یعنی کسی که پیام خدا را برای انسان آورد و انحرافات رهبران دینی و ستم‌کاری به بینوایان را محکوم کرد. (میشل، ۱۳۷۷، ص ۷۱) او از پیامبران اولوالعزم است و مقام عصمت دارد. دو اسم اعظم از اسمای الهی را می‌دانست. او برای تبلیغ رسالت خود بسیار مسافرت می‌کرد و در قالب مثال موعظه می‌کرد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۲، ص ۶۶).

۴-۶. منجی

وی منجی نامیده شده است؛ یعنی کسی که خدا نجات بشر را به دست او تحقق می‌بخشد. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۲، ص ۶۶)

۵-۶. صاحب معجزه

کتاب مقدس گزارشاتی از کرامات و معجزات حضرت عیسی علیه السلام نقل می‌کند مانند شفای دیوانگان (انجیل لوقا، ۳۵/۴)، شفای پیسی (انجیل لوقا، ۱۱/۵)، مفلوج (انجیل مرقس، ۱۱/۵)، کور (انجیل یوحنا، ۶/۵)، کر و لال (انجیل مرقس، ۳۲/۷)، خشکاندن درخت انجیر (انجیل متی،

۲۱/۹)، تبدیل آب به شراب (انجیل یوحنا، ۲/۱). براساس شریعت اسلام، همه پیامبران از چنین عملی بری هستند و آن را تحریم کرده‌اند، صید مقدار زیادی ماهی (انجیل لوقا، ۵/۴)، آرام کردن طوفان (انجیل متی، ۱۳/۸)، راه رفتن بر روی آب (انجیل متی، ۲۵/۱۴)، زنده کردن مردگان (انجیل متی، ۱۸/۹، لوقا، ۱۲/۷، یوحنا، ۲۱/۱۱) و غیره. در روایات و آیات قرآن کریم معجزاتی از حضرت عیسی علیه السلام ذکر می‌شود که بسیار شگفت‌آور است و برای تأثیرگذاری بسیار مهمتر از معجزات منابع مسیحی است مانند سخن گفتن عیسی علیه السلام در گهواره آن هم با محتوایی بسیار عمیق همراه با پیش‌گویی از آینده که خود سندی بر حقانیت او است (مریم: ۳۰-۳۳) و طلب مائده‌های آسمانی و اجابت از طرف خداوند متعال (مائده: ۱۱۵-۱۱۴) و نیز خلق پرنده از گل (آل عمران: ۴۹).

۶-۶. عیسی علیه السلام در جایگاه خدا

اناجیل هم‌نوا به عیسای بشری اعتقاد دارند، اما در انجیل یوحنا عیسی علیه السلام حکمت خدا خوانده می‌شود که جسمانی شده است. او الوهیت یافته و ازلی است. بنابراین، مانند یک خدا عمل می‌کند و سخن می‌گوید. معرفی عیسی علیه السلام بدین‌گونه در نوشته‌های پولس ابداع شده است. توماس میشل در کتاب کلام مسیحی این لقب را عنوانی برای کارکرد عیسی علیه السلام می‌داند و چنین می‌گوید: «این لقب به کسی داده می‌شود که قدرت و سلطه دارد. به عقیده مسیحیان هنگامی که خدا عیسی علیه السلام را از مردگان برخیزاند این لقب را به وی عطا کرد. این لقب همچنین اشاره دارد به اینکه عیسی علیه السلام تنها میانجی بین خدا و بشر است. علاوه بر این، لقب خداوند به اعتقاد مسیحیان مبنی بر آوردن عیسی علیه السلام در واپسین روز و نشستن وی بر طرف راست خدا برای داوری انسان‌ها دلالت دارد» (میشل، ۱۳۷۷، ص ۶۹)، اما آیات و روایات شیعه، خدا بودن عیسی علیه السلام را رد می‌کند و او را مانند سایر مخلوقات خداوند، بنده‌ای از بندگان خدا معرفی می‌کند (مریم: ۳۰). بر این اساس در برخی نوشته‌ها، عیسی علیه السلام خداست و در برخی جاها انسان است. این اختلاف شیوع پیدا کرد و باعث سردرگمی مسیحیان شد تا اینکه کلیسای اولیه در سال ۳۲۵ م در شورای نیقیه به یک جمع‌بندی رسید که در سال ۴۵۱ م از سوی شورای کالسدون تأیید شد و چنین اعلام شد که پسر یگانه و واحد خداوند یعنی، عیسی مسیح، الوهیت و انسانیت کامل دارد؛ یعنی یک مسیح علیه السلام است و دو ذات دارد. او هم انسان است و هم خداست. از نظر الوهیت با خدا هم‌ذات است و از جهت انسانیت با انسان برابر است (موحدیان عطار، ۱۳۸۹، ص ۲۳۰).

۷. برقرارکننده ملکوت خدا

ملکوت خدا در حقیقت تحقق وعده‌هایی است که خدا به داوود علیه السلام داده است که سلطنت او را تا ابد پایدار خواهد ساخت و این وعده با آمدن و بازگشت عیسی علیه السلام محقق خواهد شد. مراد از ملکوت خدا در این وعده‌ها مجموعه آرمان‌های معنوی و اجتماعی است که عیسی علیه السلام در یک فعالیت شاهانه و با تشکیل حکومتی الهی (ملکوت خدا) آنها را عملی خواهد کرد (صادق‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۲۳۸)، ولی خود عیسی علیه السلام چنین ادعایی نکرده است.

۸. نجات‌دهنده جمعی و فرامنطقه‌ای

عیسی علیه السلام دیدگاه تنگ‌نظرانه یهود درباره انحصار نجات در قوم بنی‌اسرائیل را رد می‌کند و نجات‌گری منجی را جمعی و شامل حال همگان اعلام می‌کند چنان‌که در کتاب تاریخ جامع ادیان (بایرناس، ۱۳۸۳، ص ۵۹۵) می‌گوید: «در انجیل متی آمده است: به شما می‌گویم که بسا از مشرق و مغرب آمده در ملکوت آسمان با ابراهیم و اسحاق و یعقوب خواهند نشست، اما پسران ملکوت بیرون افکنده خواهند شد و در ظلمت خارجی که گریه و فشار دندان باشد. از این قرار ملکوت الهی محدود به حد و محصور به حصر برای چند تن از صالحان یهود نخواهد بود بلکه دایره اخوتی است که محیط آن شامل تمام اقوام عالم می‌شود».

۹. موعود مسیحی بازگشت‌کننده است

مسیحیان بر این باورند که در بازگشت دوباره مسیح علیه السلام پسر انسان، جهان روی سعادت را خواهد دید. بیان شد که مسیحیان بعد از مصلوب‌شدن عیسی منتظر رجعت دومین او هستند تا انسان گرفتار در ظلم و تباهی را نجات بخشد چنان‌که کتاب مقدس در این باره می‌گوید: «همچنین مسیح علیه السلام نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع کند بار دیگر بدون گناه برای کسانی که منتظر او هستند، ظاهر خواهد شد به جهت نجات» (رساله عبرانیان، ۲۸/۹).

۱. رساله عبرانیان بخشی از کتاب عهد جدید است که نویسنده آن مشخص نیست.

۱۰. مصلوب‌شدن و عروج آسمانی

ماجرای مصلوب‌شدن حضرت عیسی علیه السلام از دیدگاه مسیحیان با اسلام متفاوت است. اناجیل چهارگانه به طور مشروح ماجرای دست‌گیری و مصلوب‌شدن حضرت عیسی علیه السلام را بیان کرده‌اند. براساس آنچه مسیحیان اولیه گفته‌اند حضرت عیسی علیه السلام نه تنها قتل خود را به دست مخالفان پیش‌بینی می‌کرد بلکه می‌دانست چه کسی به او خیانت خواهد کرد و او را خواهد فروخت. از این رو یک مجلس ساده آراست و غذایی با یاران خود برای آخرین بار صرف کرد. تا آنکه دوازده تن حواریون خود را آماده مفارقت خویش کند. اندکی بعد از آن در باغی که جتسیمانی نام داشت یکی از شاگردان موسوم به یهودای اسخریوطی او را به جمعی که با چوب و شمشیر به سراغ او آمده بودند، تسلیم کرد. آنها را رئیس کاهنان در پی او فرستاده بود. پس آنها عیسی علیه السلام را نزد مجمع کاهنان و اصل شورا برد و همه او را به جرم گفتن کفر به قتل محکوم کردند. آنگاه او را نزد پیلاطس رومی بردند و از او خواستند که حکم را اجرا کند. سه ساعت از نیمه روز گذشته بود که او را به پای چوبه دار آوردند. جماعت در اطراف او فریاد برمی‌آوردند و او بر ایشان دعا می‌کرد و می‌گفت: «ای پدر، اینها را ببامرز؛ زیرا که نمی‌دانند چه می‌کنند، پس مسیح علیه السلام به آواز بلند گفت: الهی الهی چرا مرا ترک کردی و جان تسلیم حق کرد» (لوقا، ۲۳/۳۴).

به عقیده مسیحیان، عیسی علیه السلام تحمل رنج کرد تا ابنای نوع خود را کفاره داد و آمرزیده شد. برای آنکه در روز سبت، جسد او بر فراز صلابه باقی نماند شخص دولتمندی به نام یوسف آریماتی که از اعضای شورای کاهنان بود کالبد او را در قبری نو که از سنگ برای خود تراشیده بود، گذاشت. صبح روز سوم بعضی از زنان ارقاب عیسی علیه السلام پیش از اینکه راه مراجعت به جلیل را پیش گیرند به طلب قبر او رفتند، ولی آن را تهی یافتند. هنگامی که سرگردان عازم بازگشت شدند ناگهان فرشتگان ظاهر شدند و به آنها گفتند: عیسی علیه السلام از مردگان برخاسته است. (بایرناس، ۱۳۸۳، ص ۶۰) برخلاف کتاب مقدس، منابع اسلام مصلوب‌شدن حضرت عیسی علیه السلام را تأیید نکردند و به صراحت، مصلوب و کشته‌شدن حضرت عیسی علیه السلام را رد می‌کنند: «او را نکشتند و به صلیب نکشیدند و امر بر آنان مشتبه شد. به یقین او را نکشتند بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد» (نساء: ۱۵۷-۱۵۸).

۱۱. نتیجه‌گیری

براساس مطالب بیان‌شده می‌توان گفت که منجی موعود مسیحیان از موعودهای شخصی و معین است. عیسی علیه السلام فرزند مریم یعنی، هر کس نمی‌تواند موعود مسیحی باشد هر چند شرایط برایش فراهم باشد. آن موعود یک فرد مشخص با ویژگی‌های بشری است هر چند یک جنبه الهی نیز پیدا کرده است. براساس گزارش اناجیل، موعود مسیحی رجعت‌کننده خواهد بود. این مسئله سبب تداوم ایمان مسیحی شده است و به بسیاری از آداب مسیحیان و همچنین فرازهای کتاب مقدس معنا بخشیده است، اما وی از میان امت خود به آسمان رفت و کارکرد او در جامعه کمتر مشاهده می‌شود و مردم هم چندان با شخص او در ارتباط نیستند. او القاب و اسم‌هایی چون عیسی، پسر انسان، پسر خدا، مسیح و ... دارد که تولد اعجاز‌گونه داشت و به آمدن او بشارت داده شده است. از ویژگی‌های رفتاری وی این است که وی کم حرف بود، کمتر می‌خندید و بسیار گریه می‌کرد و شخصی امین، مهربان و صلح‌طلب بود. از نظر اخلاقی، زهد و تقوا و کثرت عبادت نیز مثال‌زدنی بود. از نظر نقش و جایگاه منجی در مسیحیت می‌توان برای وی دو کارکرد یکی مبتنی بر شخص او و دیگری بر عمل تاریخی اش قائل شد. براساس این دو کارکرد، منجی مسیحی که ماهیت نجات‌بخشی دارد هم فردی است که با صرف ایمان آوردن به شخص او اتفاق می‌افتد.

بیان شد که این نوع از نجات‌بخشی آخرت‌شناسانه نیست و در اینجا عیسی علیه السلام بیشتر میانجی است تا منجی و هم جمعی و جهان‌شمول. بنابراین، نجات فرجامین عیسی علیه السلام هم جنبه معنوی دارد هم اجتماعی. با این توضیح که برای محقق کردن فرامین الهی و اشاعه پیام انجیل تلاش می‌کند، ولی به هیچ روی در همین مورد منحصر نمی‌شود بلکه در زمینه زندگی دنیایی بشر هم اقداماتی انجام می‌دهد و به رفاه و آسایش عمومی و دنیایی نیز توجه دارد. عیسی علیه السلام از موعودهای رو به آینده است و از آن روی که هنگام بازگشت او تغییراتی در اوضاع عالم نمایان می‌شود و علائم طبیعی بروز پیدا می‌کند کارکردش کیهانی خواهد بود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۹۴). مترجم: انصاریان، حسین. قم: انتشارات آیین دانش.
۱. بایرناس، جان (۱۳۸۳). تاریخ جامع ادیان. مترجم: حکمت، علی اصغر. بی‌جا: انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۲. توفیقی، حسین (۱۳۸۴). آشنایی با ادیان بزرگ. تهران: مرکز جهانی علوم اسلامی.

۳. تبلیغ، پل (۱۳۸۱). الهیات سیستماتیک. مترجم: حسین نوروزی. تهران: انتشارات حکمت.
۴. جوویور، مری (۱۳۸۱). درآمدی به مسیحیت. مترجم: قنبری، حسن. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۵. جوانشیر، موسی (۱۳۹۱). موعود در آیین اسلام و مسیحیت. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام.
۶. حیدری کاشانی، محمدباقر (۱۳۸۸). مقتدای مسیح. قم: نسیم کوثر.
۷. زیبایی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۲). مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای. تهران: سروش، انتشارات صدا و سیما.
۸. صادق‌نیا، محراب (۱۳۸۶). گونه‌شناسی نجات در نشست دینی موعود. فصل‌نامه علمی-تخصصی مشرق موعود، ۱(۱)، صص ۲۳۸-۲۳۲.
۹. کتاب مقدس (۱۳۸۲). مترجم: سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم. قم: کتاب طه.
۱۰. موحدیان عطار، علی (۱۳۸۹). گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۱. میشل، توماس (۱۳۷۷). کلام مسیحی. مترجم: توفیقی، حسین. قم: انتشارات مرکز ادیان.
۱۲. هاکس، مسترجیمز (۱۳۷۷). قاموس کتاب مقدس. تهران: اساطیر.